

# اسلام مظلوم

بیانات مرجع عالیقدر  
حضرت آیت الله العظمی  
سید صادق حسینی شیرازی رحمۃ اللہ علیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست

- تحصیل ورع در ماه مبارک رمضان ..... ۶
- سرمشق گیری، راهکاری موفق در تحصیل ورع ..... ۸
- درس از مرحوم میرداماد ..... ۱۲
- ورع مرجع شیعه در تنگنای اقتصادی ..... ۱۶
- تأثیر توجه به متون دعا در تحصیل ورع ..... ۲۲
- ماه رمضان فرصتی برای مقابله با شیطان و هوای نفس .. ۲۵
- بلاغ المبین ..... ۲۹
- بستن راه عذر و حجت آوری بر مخالفان و معاندان. ۳۳
- یاری کردن خدا با رفع اتهام از اسلام ..... ۳۹
- رفع اتهام از پیامبر خدا ﷺ و امیر مؤمنان علیه السلام ..... ۴۳
- الگوپذیری از رسول خدا ﷺ و حضرت امیر مؤمنان علیه السلام ..... ۴۷

- ۴..... اسلام مظلوم
- ۵۱..... سرزمین پاک
- ۵۳..... مسئولیت پذیری حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام
- ۵۷..... رفتار زیبای پیامبر صلی الله علیه و آله حتی با مخالفان خود
- ۶۲..... داستان حاطب ابن ابی بلتعنه
- ۶۶..... سیره پیامبر صلی الله علیه و آله جوهر اسلام و رمز گسترش آن
- ۶۸..... اسلام سره و اسلام ناسره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است که فرمودند:  
«اغْتَنِمُوا الْفُرْصَ فَإِنَّهَا تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ؛ فرصت‌ها را  
دریابید، چه اینکه مانند گذر ابر، زود می‌گذرند».

دیگر بار خدای عزوجل به برکت محمد  
و آل محمد ﷺ به همگی ما توفیق درک ماه مبارک  
رمضان را که اکنون در آستانه آن هستیم عنایت  
بفرماید و به همه مردان و زنان مومن در سراسر  
دنیا هم توان فهم و تشخیص وظایف و هم توفیق  
انجام دادن آن‌ها را عطا کند.

دو مسئله کاملاً جدا و مشخص وجود دارند که  
اتفاقاً هر دوی آن‌ها واجب عینی است؛ با این  
تفاوت که یکی واجب عینی است و بر همگان در

۶.....اسلام مظلوم

همه حال واجب است و دیگری واجب کفایی است و تا هنگامی که «من فيه الكفاية» به قدر نیاز یافت نمی‌شود، باز بر همگان وجوب عینی می‌یابد. ماه مبارک رمضان فرصت خوبی است که انسان بتواند به نحو بهتری به این واجبات توجه کند: یکی مسئله تزکیه نفس است و دیگری تبلیغ اسلام.

### تحصیل ورع در ماه مبارک رمضان

تزکیه نفس بر هرکس واجب عینی است. چه مرد، چه زن و چه پیر و چه جوان به انجام این واجب مکلف هستند به این صورت که مقدمات وجود ورع را در خود فراهم آورند. در اهمیت ورع، خطبه مشهور رسول گرامی خدا ﷺ در آغاز یکی از ماه‌های مبارک رمضان کافی است که در آن پس از بیان نکات ارزشمند و آگاهی‌آفرین بسیاری در اهمیت ماه

تحصیل ورع در ماه مبارک رمضان ..... ۷

مبارک رمضان و بایسته‌های آن توسط حضرت پیامبر ﷺ، حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) به ایشان عرض کردند: یا رسول الله، در این ماه مبارک افضل اعمال چیست؟ پیامبر خدا ﷺ در آنجا هیچ یک از آن اعمالی را که فرموده بودند نام نبردند و گفتند که ورع و اجتناب از محرمات، افضل اعمال در این ماه است.

اما ورع چگونه حاصل می‌شود؟! بی تردید به خودی خود کسی نمی‌تواند به ورع دست بیابد. این مثل هر امر مهم دینی دیگر، ناگزیر مستلزم تحقق پاره‌ای امور یا به عبارتی همان مقدمات وجودی آن است.

در گام نخست باید از خدای متعال ورع مسئلت کرد و در این کار اصرار و الحاح ورزید و به اهل بیت (علیهم السلام) توسل نمود. سپس آستین عمل بالا زد و یکی یکی اعمال را از حیث ورع باید سنجید

۸.....اسلام مظلوم

و در رعایت ورع در آن ها تلاش نمود. این گونه و به تدریج و آهسته آهسته، می توان راه تحصیل ورع را در این ماه مبارک برای خود هموار ساخت. مطلبی که نباید در باره ورع از خاطر دور کرد آنکه تحصیل آن واجبی عینی است و همانند نماز ظهر و عصر و نیز هم اندازه وجوب روزه ماه مبارک رمضان بر کسانی که مکلف هستند و مسافر یا مریض نیستند، امری واجب و فریضه‌ای از فرایض خدای متعال است.

### **سرمشق گیری، راهکاری موفق در تحصیل ورع**

از مقدمات وجود تحصیل ورع، مرور قصه کسانی است که در این راه موفق بوده‌اند و نمونه‌هایی خوب و درخور تقلید در ورع اندوزی به شمار می‌روند. هر یک از ما در اطراف خود معمولاً افرادی را سراغ دارد



سرمشق گیری، راهکاری موفق در تحصیل ورع ..... ۹

که در ورع نمونه‌اند. جوان‌ها به جوانانی که در تحصیل ورع موفق بوده‌اند نگاه کنند. پیرها، پیرمردانی را که عمری را با ورع زیسته‌اند الگوی خود قرار دهند.

احکام الهی در نزد خدای متعال اهمیت بسیاری دارد. آیات بسیاری ناظر به این امر در قرآن کریم وجود دارد. خدای متعال در جایی فرموده است:

«لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا؛<sup>۱</sup> اگر در آن‌ها [زمین و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت، قطعاً [زمین و آسمان] تباہ می‌شد».

در این آیه (لو) به قول علمای بلاغت حرف امتناع لإمتناع است؛ به این معنی که هر چند احتمال وجود خدایی دیگر منتفی است، اگر چنین فرض محالی تحقق یابد، جهان و جهانیان تباہ می‌شوند.

---

۱. سوره الأنبياء، آیه ۲۲.

۱۰.....اسلام مظلوم

یا در جایی دیگر از قرآن در اهمیت احکام الهی در نزد خدای تبارک و تعالی می‌خوانیم که چنین به پیامبر خود ﷺ می‌فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ، لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ، ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ؛<sup>۱</sup> و اگر [او] پاره‌ای گفته‌ها بر ما بسته بود، دست راستش را سخت می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را پاره میکردیم».

بی‌تردید رسول خدا ﷺ حرفی از نزد خودش نمی‌زد و هر چه گفت فرمان خدای متعال بود. در این آیه نیز (لو) حرف امتناع لإمتناع است، و چنین امری هرگز رخ نداده است.

آیات فوق و بسیاری آیات دیگر قرآن از اهمیت احکام الهی در نزد خدای متعال حکایت می‌کند. اگر از حیث آماری نگاهی به تعداد آیات مذکور در

---

۱. سوره الحاقة، آیات، ۴۴، ۴۵، ۴۶.

سرمشق گیری، راهکاری موفق در تحصیل ورع ..... ۱۱

قرآن بیندازیم، می بینیم که - آنگونه که اهل فن شمرده اند - از میان بیش از شش هزار آیه ای که در قرآن هست، پانصد مورد آن ها مربوط به بیان و به تبیین احکام الهی است. اما آیات قصص قرآن بسیار بیش از این است. دلیل آن هم چیزی جز تأثیرگذاری فوق العاده داستان در بشر نیست. تأثیرات حاصل از قصه ها به مراتب عمیق تر و طولانی مدت تر از سخن معمولی است؛ به همین دلیل قرآن کریم انباشته از قصص اقوام پیشین و عملکرد و سرنوشت آن هاست.

پس خیلی خوب است که در آستانه ماه مبارک رمضان تصمیم بگیریم داستان افرادی را که در کسب ورع موفق بوده اند، مرور کنیم و از آن بیاموزیم. خانم های جوان از هم سن و سال های خود و مردان

۱۲.....اسلام مظلوم

جوان از جوانان و بزرگسالان از مردان بزرگ، که به ورع شهره‌اند، بیاموزند و مانند آن‌ها عمل کنند. در این فرصت کوتاه به دو مورد از این داستان‌ها اشاره می‌کنم: یکی به حدود دویست سال پیش، کمتر یا بیشتر بر می‌گردد و دیگری متأخر است و بنده شخصاً در جریان آن بودم.

#### درس از مرحوم میرداماد

قصه اول، داستان جوانی بوده که در یکی از مدارس حوزه علمیه اصفهان درس می‌آموخته است. در نیمه‌های یکی از شب‌های سرد زمستانی آن جوان بیدار بوده است که با دختر خانم جوانی در مدرسه روبه‌رو می‌شود. گویا دختر جوان در جایی مهمان بوده است و در راه برگشت به خانه از خلوتی و تاریکی شب وحشت کرده و به مدرسه علمیه پناه می‌برد.

درس از مرحوم میرداماد..... ۱۳

یکی از جوانان طلبه حوزه به نام آقا سید محمد باقر که بعدها به مرحوم میرداماد شهرت یافت آن خانم را می‌بیند و از او می‌پرسد که در آن وقت شب در مدرسه چه کار می‌کند؟ خانم جوان می‌گوید: می‌خواستم بروم منزل ولی چون خیابان‌ها خلوت بود ترسیدم. به اینجا آمدم که اگر ممکن است تا صبح همین جا در مدرسه بمانم. جوان آن زن را در حجره‌ای که در مدرسه داشت پناه داد و خودش مجبور شد که تمام شب را بیرون حجره و در هوای سرد زمستانی تا صبح سر کند و از آن سو آن خانم توانست شب را با خیالی آسوده و در جایی مطمئن تا صبح استراحت کند.

آیا آن جوان نفس اماره نداشته است؟ آیا شیطان او را اغوا نکرد؟! قطعاً همه انسان‌ها نفس اماره به سوء

۱۴.....اسلام مظلوم

دارند و شیطان همه انسان‌ها را اغوا می‌کند. اما آن جوان توانست با عزم و اراده‌اش بر نفس و خواهش‌های آن غلبه کند.

صبح‌هنگام خانم از خواب بیدار می‌شود و از آن جوان تشکر می‌کند و راهی خانه‌اش می‌شود. آن خانم ماجرا را برای خانواده‌اش تعریف کرده از جمله اشاره می‌کند که تا صبح بوی گوشت سوخته به مشامش می‌خورده است.

بعدها نقل شده است که نفس اماره و شیطان در آن شب مرتب آن جوان را وسوسه می‌کرده است آن جوان هم برای رهایی یافتن از شر نفس خود کبریت را روشن می‌کرده است و به خودش نزدیک می‌کرده تا آتش جهنم را به یاد آورد. آن شب پیوسته چراغ نفتی‌اش را با کبریت روشن می‌کرد و

درس از مرحوم میرداماد..... ۱۵

به خودش نزدیک می نمود. این گونه توانست گرفتار هوا و هوس خود نشود.

جوانان عزیز نیز می توانند این جوان را الگوی خود قرار دهند و تصمیم بگیرند در برابر نفس اماره خود بایستند. شیطان همه را از پیر و جوان اغوا می کند و غلبه بر او، شدنی و امکان پذیر است. فقط نیازمند قدری اراده و تصمیم جدی است.

امثال این جوان با اندکی جستجو و واریسی در اطراف هر یک از ما یافت می شدند. فرصتهایی همچون مشایه های زیارت های اهل بیت علیهم السلام که در آن با افراد گوناگون و زیادی برخورد می شود، از جمله این فرصت های خوب است و همینطور ماه مبارک رمضان نیز فرصت بسیار مناسبی برای پرورش نفس انسان و تربیت آن است. فراموش نکنیم که کسب ورع نسبی است و هرکس اندازه ای و مرتبه ای

۱۶.....اسلام مظلوم

از ورع را داراست؛ لذا مجال با ورع تر شدن برای همه ما گشوده است.

### ورع مرجع شیعه در تنگنای اقتصادی

قصه بعدی داستان مرحوم والد ماست. ایشان پس از فوت مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج آقا حسین قمی - که با فاصله کمی یکی پس از دیگری روی داد - برای مدت کوتاهی عهده‌دار مرجعیت شیعه شدند. مرحوم سید ابوالحسن در ماه ذی الحجه فوت کردند و حاج آقا حسین قمی در ماه ربیع. مرحوم والد در پس فقدان یکبارہ آن دو بزرگ مرجع به فشار مقلدان ایشان و علمای حوزه، گرفتار تصدی مقام مرجعیت شدند. کار بسیار دشواری بود، به ویژه در آن برهه دشوار که باید شهریه طلاب را می‌دادند و فقرا و افراد نیازمند نیز بسیار بود و از سوی دیگر آنچه به دست او می‌رسید



۱۷ ..... ورع مرجع شیعه در تنگنای اقتصادی

تا خرج حوزه و فقرا کند، به زحمت به یکصد دینار می‌رسید. در آن زمان یکصد دینار پول بسیاری بود؛ چون ارزش پول خیلی بیشتر از امروز بود.

پس از چند ماه، روزی یکی از مقلدان آقا سید ابوالحسن اصفهانی رضوان الله علیه به نزد مرحوم والد ما می‌آید و می‌گوید که هفده هزار دینار بابت خمس مدیون‌ام و پس از آقا سید ابوالحسن به شما رجوع کرده‌ام و پس از این از شما تقلید می‌کنم. این هفده هزار دینار وجه خمس را می‌خواهم به شما بدهم. روبه‌رو شدن با هفده هزار دینار برای مرجعی که تحصیل صد دینار برای سامان داده به حوزه برایش کاری دشوار بود و همراه برای این منظور مبلغی قرض می‌کرد البته امر ساده‌ای نبوده و طبعاً وسوسه کننده بوده است. خدا می‌داند که هفده هزار دینار شهریه چند سال طلبه‌ها را می‌توانست تأمین کند! پدر

۱۸.....اسلام مظلوم

ما از آن آقا پرسید که آیا تو با مرحوم سید ابوالحسن این وجه خمس را مداوره کرده‌ای؟ گفت: بله. مرحوم پدر گفتند: من این مبلغ را نمی‌توانم از شما بگیرم. چون آقا سید ابوالحسن که این مبلغ را به ایشان مدیون هستی، خودش مدیون است. شما باید بروید طلبکاران او را پیدا کنید و این مبلغ را به آن‌ها بدهید. آن شخص اصرار کرد که پول را به مرحوم والد ما بدهد اما فایده‌ای نداشت و همچنان از پذیرفتن آن پول اعراض ورزید.

مداوره یا دست گردانی پول، مسئله مشهوری در میان آقایان اهل علم است. آن شخص که هفده هزار دینار خمس بدهکار بوده است در آن هنگام که به مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی مراجعه کرد، توان پرداخت این مبلغ را نداشت؛ چراکه اموال او نقدی نبود و به صورت زمین، باغ یا مال التجاره‌اش بود. به

ورع مرجع شیعه در تنگنای اقتصادی ..... ۱۹

همین دلیل مرحوم آقا سیدابوالحسن اصفهانی این اموال را با او مداوره کرد و گفت هنگامی که داشت آن مبلغ را به او بدهد.

مدواره یا دست گردان که رساله‌های عملیه هم بعضاً به آن اشاره کرده‌اند به این صورت است که مثلاً شخص مذکور که مبلغ هفده هزار دینار بدهکار است، مبلغی خیلی کمتر مثلاً هزار دینار را می‌آورد و به مرجع یا نماینده او می‌دهد. به نحوی که هزار دینار را از خمس خود به آن عالم می‌دهد. عالم این مبلغ را دوباره به او قرض می‌دهد. برای بار دوم فرد بدهکار هزار دینار را به عالم پس می‌دهد (تا اینجا دو هزار دینار از بدهی خودش را داده است) عالم دوباره هزار دینار را به آن فرد بر می‌گرداند. به همین شیوه این مبلغ میان آن دو دست گردان می‌شود و در هر مرحله فرد مبلغی از بدهی‌اش را می‌دهد و عالم همان مبلغ را

۲۰.....اسلام مظلوم

دوباره به او قرض می دهد تا هنگامی که مبلغ خود - در اینجا هفده هزار دینار - را به عالم بدهد. در این شیوه فرد بدهکار از دین خود، خمس یا غیرذلک رها می شود، ولی بدهکار آن عالم می ماند. تا زمانی که گشایش حاصل شود و مبلغ بدهی اش را بتواند فراهم آورد. آنگاه بدهی اش را به عالم مذکور خواهد داد. به این شکل وجه خمس برای او تبدیل به دین می شود.

افزون بر رساله ها در کتب فقهی از جمله عروۃ الوثقی به مسئله مداوره اشاره شده است. از جمله در این کتاب نظر برخی از علما را مبنی بر اینکه این مداوره، اثر اضافه ای نمی آفریند و دست آخر باید همان هفده هزار دینار را به دست مرجع تقلیدش برساند. در صورتی هم که مرجع قبل از دریافت این پول فوت کند و مقلد او از مرجع دیگری تقلید کند، آن مبلغ را به او باید بدهد.

۲۱ ..... ورج مرجع شیعه در تنگنای اقتصادی

در این میان برخی از مراجع تقلید که مرحوم والد ما از جمله آنهاست، احتیاط و جویی داشتند و بر این نظر بودند که اگر کسی مداوره کند - غیر از خمس - مدیون آن مرجع می شود.

مرحوم والد ما هم مثل هرانسان دیگری نفس اماره دارد و شیطان می کوشد او را اغوا کند. بی تردید اگر هفده هزار دینار را از آن مرد می گرفت، خیلی از گرفتاری ها و مشکلات مالی حوزه را تا چندین سال می توانست برطرف کند، اما با وجود آنکه گفته اند آن شخص فراوان به ایشان اصرار نمود که آن وجه را از او قبول کند، مرحوم والد نپذیرفت، با آنکه پذیرفتن آن مبلغ در نزد او امر حرامی نبوده و فقط خلاف نظر و احتیاطش بوده است.

مرحوم پدر ما نمونه خوبی می تواند برای پیرمردها باشد، همان گونه که مرحوم میرداماد که آن واقعه مثال

۲۲.....اسلام مظلوم

زدنی را در دوران جوانی اش از سر گذرانده است، نمونه‌ای والا و فاخر برای الگوگرفتن جوانان می‌تواند باشد. هر چند از این حوادث سال‌ها - قریب به یکصد سال - می‌گذرد، ولی همچنان برای جوانان و پیران زمانه ما مثال‌های خوب و آموزنده‌ای هستند.

### تأثیر توجه به متون دعا در تحصیل ورع

ماه مبارک رمضان و حال و هوای خوب آن، فرصت مناسبی برای گرایش به این موضوعات است. روزه‌داران در هر خانواده و شهر و روستایی، مشوق دیگران هستند به خیر و صلاح. از امور مهم دیگر که نباید از نظر دور داشت دعاها و زیارت‌ها و نمازهای وارد شده از معصومان علیهم‌السلام در این ماه است که سرشارند از حقایق و معلومات عمیق و گرانسنگ دینی. دعای ابوحمزه ثمالی - که خواندن آن در

تأثیر توجه به متون دعا در تحصیل ورع..... ۲۳

سحرهای ماه مبارک رمضان سفارش شده است - از جمله دعاهای ژرف و سرشار از معارف ارزشمند است. اگر خواندن یکباره آن میسر نشود، می‌توان صفحه، صفحه آن را خواند و در جملاتش تدبیر کرد. باید اندیشید که در آنجا حضرت سجاد علیه السلام - که امام است و معصوم و هرگز گناه نمی‌کند و حتی از ارتکاب مکروه هم منزّه است - چگونه غرق دعا کردن به درگاه خدای متعال است و چه‌سان اشک می‌ریخت و توبه و ناله می‌کرد!

این موضوعات آموختنی است. علاوه بر الگوگرفتن از افرادی که در تزکیه نفس موفق بوده‌اند، مطالعه منابع روایی، خاصه ادعیه وارد شده از امامان معصوم علیهم السلام که در کتاب مفاتیح الجنان یا کتاب‌های دعای دیگر نقل شده است،

۲۴.....اسلام مظلوم

منابع غنی معارف است که نباید ساده از کنار آن ها گذشت. برای این منظور، کسانی که سواد عربی چندان قوی ندارند که متوجه معانی الفاظ و احیاناً مضامین عمیق آن ها شوند، خوب است از کتاب‌های دعای ترجمه دار - مثل انواعی که ترجمه دعا را به صورت زیرنویس با خود همراه دارند - استفاده کنند.

البته درستی ترجمه دعاها خود موضوع درخور بررسی است اما با فرض درستی آن، ولو نسبی این شیوه به مراتب برای خواننده دعا سودمندتر و اثرگذارتر خواهد بود. به این گونه، شخص دعا کننده متوجه معنی مطالبی خواهد شد که به درگاه خدا عرضه می‌کند و می‌فهمد که از خدای متعال در دعا چه می‌خواهد. این گام نخست است؛ چرا که دعا همانند حدیث، سخن معصوم علیه السلام است و درک آن،



ماه رمضان فرصتی برای مقابله با شیطان و هوای نفس ..... ۲۵

البته همواره کاری ساده نیست. در این باره حدیث مشهوری هست که می‌فرماید: «حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ تَرْوِيهِ»<sup>۱</sup> حدیثی که معنا و مفهوم آن را بلد باشی، از هزار حدیث که [فقط آن را] حفظ کرده و روایت می‌کنی، بهتر است».

عمل کردن به این مهم، در ماه مبارک رمضان بیش از هر زمان دیگری انجام شدنی است؛ چرا که در این ماه بنا به روایات وارد شده، شیاطین در غل و زنجیر هستند؛ به این معنی که شیطان قدرت و سوسه‌گری‌اش در این ماه به مراتب ضعیف‌تر است.

### **ماه رمضان فرصتی برای مقابله با شیطان و هوای نفس**

در این ماه مبارک هرکسی از هر صنفی، کارمند و کاسب و غیر آن، زن و مرد، کوچک و بزرگ،

---

۱. بحارالأنوار، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲۶.....اسلام مظلوم

اولاد نسبت به والدین و بر عکس آن پدر و مادرها نسبت به فرزندان، حاکم نسبت به ملت و ملت نسبت به حکومت ها، بزرگان خاندانها و عشایر نسبت به عشیره و فامیل خود، همگی در هر جایگاه و موقعیتی که هستند به شناخت واجبات و وظایف خود تلاش کنند. مستحبات و مکروهات در مرحله بعدی مطرح است، ولی در سطح واجبات و محرمات که انجام دادن آن، امر الهی است، باید تلاش کنند تا آن ها را به خوبی بشناسند و بدان عمل کنند. مرد واجباتی را که در قبال همسرش دارد، بداند و آن ها را انجام دهد. همچنین زن نسبت به شوهرش و بر همین قیاس فرزندان در قبال پدر و مادرها وظایف خود را بازشناسند. پدر و مادرها هم به طریق مشابه

ماه رمضان فرصتی برای مقابله با شیطان و هوای نفس ..... ۲۷  
حقوقی نسبت به فرزندان خود دارند که شناخت  
درست و عمل به آن ها، وظیفه‌ای واجب بر عهده  
آن ها به شمار می‌آید.

این واجبات و محرمات از سوی شارع معین  
شده است و به تفصیل درباره آن سخن رفته  
است. مخصوصاً محرمات که پرهیز از آن ها،  
علامت تقوا و ورع است؛ چرا که: «أَزْهَدُ النَّاسِ  
مَنْ اجْتَنَّبَ الْحَرَامَ»<sup>۱</sup> پرهیزکارترین مردم کسی  
است که از گناهان دوری گزیند».

پس دوری کردن از حرام‌ها و امور نهی شده از مهم  
ترین مسائل کسب تقوا و ورع است که ماه مبارک  
رمضان، موسم و فرصت مناسب برای این کار به  
شمار می‌آید حتی اگر گام‌هایی کوتاه اما پیوسته در

---

۱. بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۱۱۱.

۲۸.....اسلام مظلوم

این راه برداشته شود؛ چرا که در این صورت، بی‌گمان موفقیت‌های خوبی در تحصیل ورع و خودسازی برای شخص دست خواهد داد.

شیطان و نفس اماره، یکی از بیرون و دیگری از درون به اغوای انسان همواره مشغول‌اند، اما این دو، بی‌تردید از عقل و انبیا قوی تر نیستند. خدای متعال برای امتحان بشر در برابر شیطان و نفس اماره حجیت باطنی عقل را و حجیت ظاهری که همان انبیا و ائمه علیهم‌السلام هستند قرار داده است که آدمی با بهره‌گیری از آن‌ها راه راست و صحیح را تشخیص دهد و به اغوای شیطان و نفس اماره‌اش گرفتار نگردد.

در این موضوع روایتی هست که معنای بسیار عمیقی دارد. البته روایات معصومین علیهم‌السلام همگی ژرف است و مستلزم تفکر و اندیشه، اما این روایت به نحو عجیبی انسان را به فکر فرو می‌برد. روایت

بلاغ المبین ..... ۲۹

چنین است: «أَغْلِقْ بَابَكَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ بَاباً؛<sup>۱</sup> در [دلت] را همیشه ببند؛ چرا که شیطان [قادر نیست] دری را بگشاید».

شیطان کلید ندارد که در را بگشاید. هنگامی که صاحب خانه‌ای در خانه‌اش را باز بگذارد، طبیعی است که راه را برای داخل شدن شیطان گشوده است. ماه مبارک رمضان فرصت خوبی است برای تمرین نگهبانی دل؛ دلی که روی هر چه غیر خداست، بسته است و شیطان نیز نمی‌تواند به آن راه بیابد.

### بلاغ المبین

مسئله دیگر مسئله مهمی است که بر همگان واجب کفایی است و ظاهراً «من فيه الكفاية» همواره نبوده و

---

۱. الکافی، ج ۶، ص ۵۳۲.

۳۰.....اسلام مظلوم

اکنون هم نیست و تبدیل به واجب عینی برای همگان شده است. انسان هم اگر نتواند واجبات عینی اش را انجام دهد، معذور است ولی به قدری که استطاعت آن را دارد باید آن ها را انجام دهد. این تکلیف عمومی چیزی نیست جز تبلیغ شریعت مقدس اسلام؛ «لَمَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ؛<sup>۱</sup> تا آنکه پس از فرستادن رسولان، مردم را بر خدا حجتی نباشد».

همسایه، فرزند، شوهر یا همسر، پدر و مادر، استاد و خلاصه هرکسی که به نحوی با او ربط و رابطه‌ای داریم، اگر چیزی از احکام و واجبات دین را بلد نباشد و ما آن را بلد بودیم، ولی به او یاد ندادیم، در روز قیامت قطعاً از ما بازخواست خواهد شد که چرا آیین اسلام را تبلیغ نکردیم و احکام دین را به

---

۱. سوره النساء، آیه ۱۶۵.

بلاغ المبین ..... ۳۱

اطرافیان و دوستان خود آموزش ندادیم. از کسی که مسائل دینی خود را نمی‌داند نیز سؤال و بازخواست می‌شود. او نیز وظیفه دارد که یاد بگیرد و برای فهم امور دین خود تلاش کند. البته قدرت از شرایط عامه است؛ لذا انسان به قدری که از او بر می‌آید و می‌تواند باید برای تحقق این امر تلاش کند.

تبلیغ اسلام و هدایت و ارشاد مردم، حداقل در واجبات و محرمات دو وجه مهم دارد. اولی جنبه تبلیغی آن است؛ همان چیزی که قرآن کریم از آن به البلاغ المبین یاد می‌کند. به این معنی که تبلیغ و ارشاد صرفاً بیان مطلبی برای یک بار، بدون در نظر داشتن میزان اثر بخشی آن نیست. جنبه تأثیرگذاری در تبلیغ دین خیلی مهم است. باید تبلیغ به گونه‌ای انجام شود که اثر مفید خود را به جا بگذارد. مثلاً یکی از جوانب

۳۲.....اسلام مظلوم

این مسئله تعداد دفعات ارشاد است. همان گونه که گفتیم با یک بار گفتن این واجبات از گردن انسان ساقط نمی‌شود. هنگامی که خداوند رسول گرامی خود را به تبلیغ دین اسلام مکلف کرد، آیا فقط یک بار به مردم گفت: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا!»<sup>۱</sup> بگویید خدایی جز الله نیست تا رستگار شوید؟! چنین چیزی در کتاب‌های سیره و تاریخ نیست و بر عکس آن، صحبت از تکرار این سخن به دفعات بوده است.

در روز قیامت شاید برای ما دقیقاً فاش شود که حضرت چند هزار بار این سخن را تکرار نمودند. ایشان گاهی بر کوه مروه می‌گفتند و دوباره به کوه منا می‌رفتند و باز همین سخن را تکرار می‌کردند. گاهی

---

۱. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲.



بستن راه عذر و حجت آوری بر مخالفان و معاندان ..... ۳۳

هم در مسجد الحرام زائران خانه خدا را فرا می خواندند و به آن ها می گفتند: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا». حضرت به این اندازه هم بسنده نمی کرد و خویشان و بستگان خود را دعوت می نمود و آن ها را به دین خدا دعوت می کرد و بارها و بارها این جمله را تکرار کرد. همین امر؛ یعنی تکرار و استقامت حضرت در تبلیغ شریعت خدا، در گسترش آن خیلی مؤثر بود. تبلیغ مکرر و مداوم موجب می شود که اگر در کسانی احتمال اثرپذیرفتن برود، فرصت آن را بیابند که هدایت شوند و این تکرار البته واجب است.

### **بستن راه عذر و حجت آوری بر مخالفان و معاندان**

موضوع دیگر اتمام حجت است. ما در تبلیغ مکلف نیستیم که تنها در صورتی که مطمئن باشیم سخنان ما در طرف مقابل کارگزار می افتد ارشاد و

۳۴.....اسلام مظلوم

راهنمایی کنیم. یکی از جوانب و اهداف مترتب بر تبلیغ اتمام حجت کردن بر دیگران است. خداوند متعال در این باره فرموده است: «لِنَلَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ»<sup>۱</sup> تا برای مردم در پیشگاه خداوند حجت و عذری باقی نماند.

این مسئله تا آن حد مطرح است که حتی اگر یقین داشته باشیم که از سخنان ما اثر نمی‌پذیرند باز واجب کفایی نداریم که از مطرح کردن و سخنان ارشادی خود با او صرف نظر کنیم. مگر پیامبر خدا ﷺ فقط کسانی را که یقین داشت دعوت او را می‌پذیرد یا اینکه احتمال می‌داد که حرف‌هایش را قبول کنند، به اسلام دعوت می‌کرد؟ تاریخ چیزی جز این روایت کرده است.

---

۱. سوره النساء، آیه ۱۶۵.

بستن راه عذر و حجت آوری بر مخالفان و معاندان ..... ۳۵

نقل است که از میان عموهای پیامبر خدا ﷺ شش نفر مشرک از دنیا رفته‌اند. آیا پیامبر خدا ﷺ نمی‌دانستند که آن‌ها نصیحت‌هایش را نخواهند پذیرفت؟! با این حال همه آن‌ها را به اسلام دعوت کرد. اکثر عموزادگان و نوه‌های آن‌ها نیز به اسلام نیوستند. حتی در تاریخ نوشته شده است که سه تا از عمه‌های پیامبر ﷺ هم بر شرک خود باقی ماندند. همه آن‌ها هم در مکه بودند. حال برخی پیش از دعوت پیامبر خدا ﷺ به اسلام فوت کردند و برخی هم ندای دعوت حضرت را شنیدند، ولی به او ایمان نیاوردند.

یکی از اهداف مهم تبلیغ، بستن راه عذرآوری انسان‌ها در پیشگاه خدای متعال در روز قیامت است. با وجود تبلیغ، دیگر کسی نمی‌تواند بگوید که

۳۶.....اسلام مظلوم

حقیقت بر من معلوم نشد و به ذهنم هم نرسید و قاصر بودم. برای بستن راه این عذرها و اتمام حجت، خداوند متعال امر به تبلیغ کرده است.

در قرآن کریم و روایات رسیده از معصومان علیهم السلام این مطلب آمده است که خدای تبارک و تعالی از تک تک انبیای خود در خصوص چگونگی تبلیغ و اجرای رسالت خود، سؤال می‌کند. خداوند متعال که از اعمال و کردار پیامبران خود آگاه است، ولی با سؤال کردن از آن‌ها به واقع مخالفان آن‌ها و کسانی را که دعوت آن‌ها را اجابت نکرده‌اند بازخواست می‌کند. خدای عزوجل بی‌تردید می‌دانست که حضرت عیسی علیه السلام هیچ‌گاه از مردم نخواسته بود که او و مادرش را به خدایی پرستند و تقدیس و تنزیه کنند. با این حال خدای متعال به حضرت عیسی علیه السلام

بستن راه عذر و حجت آوری بر مخالفان و معاندان ..... ۳۷

می گوید: «أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟».

اعتقاد به تثلیث، نسبت دادن جایگاه خدایی به حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و مادرش، در کنار مقام ربوبی الله، بی گمان چیزی نبوده است که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بدان اعتقاد داشته یا یاوران خود را به آن راهنمایی کرده باشد. خداوند متعال در روز قیامت با طرح این سؤال از حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در واقع عذرها و حجت های سست باورمندان این عقیده را از بین می برد و مشت آن ها را باز می کند.

ابوجهل، عموی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علیرغم آنکه بارها رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را به پذیرش اسلام فرا خواند،

---

۱. سوره المائده، آیه ۱۱۶.

۳۸.....اسلام مظلوم

اما در او کارگر نیفتاد و همچنان بر شرک خود پافشاری نمود. آیا رسول خدا ﷺ نمی دانستند که ابوجهل به او ایمان نمی آورد؟! بی شک از این موضوع باخبر بودند، با این حال حضرت موظف به تبلیغ بودند، و کمتر فایده‌ای که بر این تبلیغ مترتب است اینکه دیگر عذر و بهانه‌ای برای ابوجهل در روز قیامت باقی نمی ماند و حجت بر او تمام شده است.

ما و شما نیز تا آنجا که از دست ما بر نمی آید و در توانمان نیست یا به ذهنمان خطور نکرده است، اگر مقصر باشیم و قاصر باشیم، معذوریم و گرنه عذر ما به درگاه الهی مقبول نخواهد بود. امروزه ابزارها و راهای تبلیغ بسیار گسترده تر و بیشتر از گذشته است. جدا از راه قلم و نگارش در کتاب‌ها

یاری کردن خدا با رفع اتهام از اسلام ..... ۳۹

و روزنامه‌ها و هدایتگری بر سر منابر، ابزارهای جدید همچون ماهواره‌ها و شبکه‌های تلویزیونی - که متأسفانه عموماً در اختیار مقاصد فاسد و کاربردهای ناروا و غیراخلاقی و نشر عقاید باطل و فساد و بی‌بندوباری است - فرصت و بستر بسیار مناسبی برای نشر علوم و معارف اسلامی است. موبایل‌ها و امکانات گسترده و نامحدود فضای مجازی که امروزه جوانان همگی بدان دسترسی دارند، ابزار بسیار مناسبی برای تبلیغ است.

### **یاری کردن خدا با رفع اتهام از اسلام**

خدای عزوجل امروزه در دنیا بیش از هر زمان دیگری متهم است. چه کسی باید از خدای متعال در برابر این شبهه‌ها و شبهه افکن‌ها که هر روز بر شمار

۴۰.....اسلام مظلوم

آن‌ها افزوده می‌گردد، دفاع کند؟! این کار نه فقط  
وظیفه حوزویان و دانشگاهیان، بلکه بر عهده همه  
مردم از کسبه و عوام و غیره است. هر کس به قدر  
توانش باید به این واجب مهم عمل کند.

اسلام هم امروزه آماج تهمت‌ها و شبهه‌های  
گوناگون حتی متأسفانه در برخی کشورهای  
اسلامی است. امری که با تأسف شدید به  
اسلام‌زدگی جوانان ما منجر می‌شود؛ لذا ضرورت  
راهنمایی مردم و کشف حقایق، بیشتر از پیش به  
نظر می‌آید. هر چند این کار واجب کفایی است،  
اما «من فیه الکفایه» به قدر کفایت نیست. پس  
همگان باید آستین همت بالا بزنند و برای این  
منظور حتی اقدام به یادگیری معارف دینی و راه و  
روش تبلیغ مؤثر کنند تا در راستای تحقق البلاغ  
المبین گام برداشته باشند.



یاری کردن خدا با رفع اتهام از اسلام ..... ۴۱

بنده شخصاً به یاد دارم که در اثنای رفتنم به جایی در خیابان، چند خانم بد حجاب دیدم که در کنار خیابان نشسته بودند. کسی هم جلوتر از من راه می‌رفت. هنگامی که به آن خانم‌ها رسیدم، آنان مشغول صحبت کردن با یکدیگر بودند. آن شخص که من چند متر عقب تر از او می‌رفتم، به خیال خودش می‌خواست به آن خانم‌ها ابلاغ کند. رو کرد به آن خانم‌ها با کلمات تندی چیزهایی به آنان گفت در این باره که رفتار شما درست نیست و این کار حرام است. سریع هم از آن‌ها رد شد و رفت. آن قدر تند حرف زد و زود رفت که آن خانم‌ها اصلاً متوجه حرف‌های او نشدند. هنگامی هم که رد شد گویا یکی از آن خانم‌ها متوجه او شده بود و فحشی هم به او داد. آیا این کار آن شخص مصداق بلاغ

۴۲.....اسلام مظلوم

است؟ اگر هم بلاغ باشد، بلاغ مبین به شمار نمی‌آید. بلاغ به تنهایی بدون آنکه بلاغ مبین باشد، البته مؤثر نیست.

به قدری که هر کس از توانش بر می‌آید مکلف است که به بلاغ مبین عمل کند، ولی اگر نتواند به شرط آنکه قاصر باشد و نه مقصر، تکلیف از او ساقط است. اما جوانان عزیز چه در کشورهای اسلامی و چه غیر اسلامی، نیروها و امکانات زیادی دارند و در اجرای این فریضه، کارهای زیادی از دست آن‌ها بر می‌آید. بنا نیست که با همان یک دفعه سخن آن‌ها مؤثر واقع شود، گاهی لازم است صدها بار هم سخن خود را تکرار کنند تا نتیجه مطلوب حاصل شود. آیا

﴿لَمَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ﴾<sup>۱</sup> واجب کفایی

---

۱. سوره النساء، آیه ۱۶۵.

رفع اتهام از پیامبر خدا و امیرمؤمنان ..... ۴۳  
نیست؟ البته که هست. پس گاهی صد بار تکرار جزو  
بلاغ مبین و واجب کفایی خواهد بود و تا هنگامی که  
«من فيه الكفایه» نیست بر همگان وجوب عینی دارد.

### رفع اتهام از پیامبر خدا ﷺ و امیرمؤمنان علیه السلام

آیا مگر نه اینکه امروزه پیامبر خدا ﷺ در دنیا در  
معرض اتهام‌های گوناگون قرار گرفته است؟! مگر نه  
آنکه در جاهایی - نستجیر بالله - عکس او را آتش  
می‌زنند و یا نسبت‌های دون شان او به ایشان  
می‌دهند؟! البته ناگفته نماند که همه این توهین‌ها  
ریشه در فعالیت‌های بنی امیه دارد. خلفای ناشایست  
بنی امیه نخستین کسانی بودند که در توهین به  
پیامبر ﷺ و به ویژه حضرت امیرمؤمنان علیه السلام را  
گشودند. این موضوع در کتاب‌های آن‌ها بازخورد  
گسترده‌ای دارد. همین کتاب‌هایی که امروزه ابنای

۴۴.....اسلام مظلوم

عامه، آن‌ها را به عنوان کتاب‌های مرجع خود در مسائل دین و اعتقادات قبول دارند.

امروزه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام با آنکه صدها میلیون پیرو در جهان دارند، هنوز متعرض چه شبهه‌هایی است. مسبب همه اینها ضعف تبلیغ است و گرنه در زمان رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله مردم فوج فوج به اسلام می‌گرویدند ولی امروزه که زمینه برای تبلیغ هموارتر است کمتر شاهد گرایش مردم دنیا به اسلام هستیم. خدای متعال می‌فرماید: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا؛<sup>۱</sup> و مردم را بنگری که فوج فوج به دین خدا داخل می‌شوند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم آن گونه که ثبت کرده‌اند در برابر جمعیتی افزون بر صد هزار نفر

---

۱. سوره النصر، آیه ۲.

رفع اتهام از پیامبر خدا و امیرمؤمنان ..... ۴۵

سخنرانی کردند. رسانیدن صدای حضرت به این سیل از جمعیت البته کار ساده‌ای نیست. طبعاً رسول خدا ﷺ صدای خود را بیش از حد متعارف بلند نمی‌کرد و امکانات امروزی هم مانند بلندگو در کار نبوده است. پس چگونه صدای حضرت به این جمعیت صد هزار نفر و شاید بیشتر رسیده است. آن گونه که در تاریخ ثبت کرده‌اند حضرت پس از قدری سخن گفتن لحظه‌ای درنگ می‌کرده و افرادی با فاصله‌ای از حضرت در مکان بلندی ایستاده بودند و سخنان حضرت را دوباره با صدای بلند به گوش مردم دورتر می‌رسانیدند.

دوباره افرادی با فاصله‌ای دورتر از آن‌ها باز بر فراز بلندی ایستاده بودند و پس از شنیدن این جملات آن‌ها را برای عده‌ای که دورترند نقل می‌کردند. به این

۶۶.....اسلام مظلوم

نحو صدای حضرت تا دور دست ترین افراد حاضر در آن صحرای بزرگ می‌رسید. مشابه چنین صحنه‌ای را من پیشتر در صحن مطهر حضرت امام حسین علیه السلام دیده بودم. آن زمان هنوز بلندگو رواج نیافته بود. در روز عید به هنگام خواندن نماز عید فطر، طبعاً صدای امام به گوش جمعیت زیاد نمازخوانان حاضر در حرم نمی‌رسید. برای این منظور چنین تمهیدی اندیشیده بودند. شخصی بر بالای جایگاه بلندی می‌رفت و جملات نماز را برای افرادی که دعای قنوت نماز عید را بلد نبودند با صدای بلند پس از امام تکرار می‌کرد. این گونه همه نمازگزاران با امام هماهنگ نماز می‌خواندند. این در زمانه‌ای نزدیک به روزگار ما اتفاق افتاده است، چه رسد به روزگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که هنوز امکانات ابتدایی تر بوده است؛ لذا بلاغ مبین

الگوپذیری از رسول خدا و حضرت امیر مؤمنان علی ..... ۴۷

از سوی رسول خدا ﷺ در تبلیغ ولایت امیر مؤمنان علی رضی الله عنه انجام پذیرفت و پاره‌ای شبهه‌های بی اساس که متأسفانه بر خیلی افراد ناآگاه و ناآشنا با اخبار و سیره رسول خدا ﷺ اثرگذار بوده، از اساس باطل است و باید با بلاغ مبین پاسخ گفته شود.

### **الگوپذیری از رسول خدا ﷺ و حضرت امیر مؤمنان علی رضی الله عنه**

آری، اسلام به این گونه امور متهم است. حتی قرآن کریم هم از اتهام‌های بیمار دلان در امان نبوده است. هر چند قرآن کریم همگی این امور را برای ما بازگو کرده است و از هر دری، نصیحتی داده، اما متأسفانه آنگونه که باید راه آشنایی با معارف گرانسنگ قرآن فراهم نشده و در عمل از آن استفاده کافی و کامل نگردیده است. بلکه عکس آن، غیر مسلمانان از قرآن و اسلام بهره‌ها برده‌اند.

۴۸.....اسلام مظلوم

غیر مسلمانان به کشورهای اسلامی و عملکرد آن  
ها نظر دارند. از دیگر سو، با مبانی اسلام و معارف  
قرآن و عملکرد زیبا و موفق رسول گرامی خدا ﷺ  
در مدت ده سال حکومتداری اش و حکومت مقتدر  
حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام که بر پهنه گسترده‌ای  
از جهان که دربرگیرنده چهل، پنجاه کشور بر روی  
نقشه جهان امروز است آشنا هستند و درباره آن  
بحث و مطالعه‌های بسیاری کرده‌اند. به خوبی  
آگاه‌اند که در همه مدت حکومت آن دو بزرگوار،  
یک مورد حبس سیاسی نبوده است. یک مورد  
اعدام سیاسی گزارش نشده است. دنیا به خوبی از  
این مسائل آگاه است؛ چیزی که در حکومت‌های  
خود آن‌ها تحقق نیافته است و به حق از آرمان‌های  
بشر به حساب می‌آید.



الگوپذیری از رسول خدا و حضرت امیرمؤمنان علی..... ۴۹

نه فقط دنیا، حتی کشورهای اسلامی هم نتوانسته‌اند این آرمان‌ها را که روزگاری در حکومت رسول الله ﷺ و حکومت حضرت امیرمؤمنان (علیه السلام) اجرا شده بود، در حکومت‌های خود پیاده کنند. بنده شخصاً به یاد دارم که در عراق دهه‌های ۶۰ و ۷۰، در طی قریب به ده سال پنج انقلاب رخ داد و هر حکومتی با قتل و کشتارهای گسترده حکومت قبلی را سرنگون می‌کرد و خود زمام امور را مدتی به دست می‌گرفت و چندی نمی‌گذشت که عده‌ای دیگر باز دست به انقلاب می‌زدند و باز به کشتارها و اعدام‌های گسترده‌ای دست می‌زدند که جمعاً بنا به گزارش‌های مکتوب در روزنامه‌های وقت، سر از صدها هزار نفر در می‌آورد.

۵۰.....اسلام مظلوم

درست است که عراق کشوری اسلامی است، اما آنانی که در آن دهه‌ها انقلاب‌ها و کشتارها را به راه انداختند، رفتارشان منطبق بر معیارهای اسلامی نبوده است. توضیح این مطالب و دفاع از حریم قرآن و اسلام مسئولیت چه کسی است؟ آیا قشر خاصی از جامعه متصدی این مسئولیت عظیم هستند؟ نه. این امر، یک واجب کفایی است و در شرایط کنونی بر همگی وجوب عینی دارد. همه مکلفاند که راه و ملاک اسلام راستین را که در سیره حضرت رسول ﷺ و حضرت امیر مؤمنان علیه السلام بازتاب گسترده داشته است به مردم دنیا بشناسانند و نظر آن‌ها را نسبت به اسلام و قرآن، از شبهه‌های ساختگی و دورغین پاکیزه سازند. همه اینها در خور آموختن است و نباید تنها به چیزهایی اکتفا کرد که محل ابتلا باشد. محل ابتلا چه معنی

سرزمین پاک..... ۵۱

می دهد؟! چیزی حتی اگر محل ابتلای ما نباشد، برای دیگران مورد ابتلاست. به همین منظور باید آن را یاد بگیریم تا بتوانیم آن را به دیگران برسانیم.

### سرزمین پاک

قریب به این مضمون، روایتی تاریخی درباره معاویه وجود دارد که شخصی را نزد امیرمؤمنان، علی علیه السلام می فرستد تا بی آنکه نامی از او ببرد مسئله ای شرعی را از آن حضرت سؤال کند. گویا یک مورد فساد خانوادگی در شام روی داده بود و معاویه، نه آنکه تخرجی داشته باشد، از ترس آنکه مبادا حکمی نادرست بدهد و بعدها آن مسئله را از حضرت امیرمؤمنان علیه السلام سؤال کنند و نادرستی فتوایش برملا شود، چنین تمهیدی اندیشید و کسی را مخفیانه و ناشناس به سوی حضرت روانه کرد و مسئله را از

۵۲.....اسلام مظلوم

حضرت پرسید و به آن شخص هم تأکید کرد که نامی از او (معاویه) نزد حضرت نبرد.

در آن هنگام شام در اختیار معاویه بود و بقیه بلاد اسلامی که قریب به نیمی از کره زمین را تحت پوشش می‌گرفت تحت اداره امیرمؤمنان علی علیه السلام بود. واکنش حضرت پس از شنیدن سؤال آن شخص چنین بود که فرمود: «هذا ليس بأرضنا: چنین چیزی در سرزمین ما نیست». مقصود حضرت از زمین او، همه آن کشورهای متعددی است که در آن زمان تحت فرمان و اداره ایشان بوده است. این مطلب نشان می‌دهد که حکومت حضرت با همه گستردگی‌اش چه اندازه سالم بوده که حتی یک مورد فساد خانوادگی هم در آن نبوده است.

مسئولیت پذیری حضرت امیر مؤمنان علی ..... ۵۳

اما امروزه اوضاع کاملاً فرق کرده و اخبار فراوان فسادهای خانوادگی در همین کشورهای اسلامی مایه شرمساری است! در حکومت امیر مؤمنان علی علیه السلام یک مورد پسر جوان یافت نمی شد که به دلیل فقر و نداری نتواند ازدواج کند یا دختری نبوده که فقط به خاطر عجز خانواده اش در تهیه جهیزیه اش، امکان ازدواج برایش فراهم نباشد؛ اموری که امروزه شیوع فراوانی یافته و به معضلی بزرگ فراروی ازدواج جوانان مبدل گشته است. در آن زمان امام المسلمین همه این مشکل ها را حل می کرده و چنین نیازهایی را از نیازمندان بر طرف می کرده است.

**مسئولیت پذیری حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام**

روایت مشهوری است که کتاب بحار الأنوار و نیز کتب حدیثی دیگر آن را ذکر کرده است. آورده اند

۵۴.....اسلام مظلوم

هنگامی که حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام دنیا را وداع گفتند، هفتصد هزار دینار بدهکار بودند. هفتصد هزار دینار در آن زمان مبلغ فوق العاده زیادی بوده است. یک گوسفند را با یک درهم می خریده اند؛ لذا این دین، رقم سنگینی بوده است که آنگونه که در بحار الأنوار آمده است، مدت‌ها حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و دیگران زحمت بسیاری برای پرداخت این دین کردند. از آنجا که بیت المال مسلمین هم در اختیار حضرت نبود، تهیه این مبلغ البته کاری بسیار دشوار بود.

آیا امیرمؤمنان، علی علیه السلام این پول‌ها را قرض کرده بود که با آن‌ها برای خود کاخ بسازد؟ البته، نه. سیرت امیرمؤمنان علیه السلام که در نهایت نزاهت و پاکیزگی بود، بهترین سرمشق برای حاکمان و سردمداران

مسئولیت پذیری حضرت امیرمؤمنان علی ..... ۵۵

جهان است. وظیفه ما در مقابل این میراث معنوی بزرگ، نشر و تبلیغ آن به جهانیان است. امروزه با فراهم آمدن فضای مجازی و گسترده شدن بستر استفاده از آن، فرصت این کار بیش از گذشته فراهم آمده است. اینکه کسی در حکومت حضرت از رنج فقر و گرسنگی نمرده است، از این موارد است. این سخن حضرت مشهور است که فرمودند: «وَلَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ بِالْقُرْصِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشُّبُعِ أَوْ أَنَّ أَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بَطُونٌ غَرَّتِي وَأَكْبَادُ حَرَّتِي؛<sup>۱</sup> با آنکه شاید در حجاز یا در یمامه کسی باشد که به یافتن قرص نانی امید نداشته باشد یا شب را سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی گرسنه و جگرهایی سوخته، شب را به روز آورند».

---

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص ۳۰۱.

۵۶.....اسلام مظلوم

تا این اندازه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به فکر تهیدستان و فقرای جامعه‌اش است که بیم آن دارد شب را در حالی سر بر بالین بنهد که در گوشه و کنار مملکتش کسی از کسب قوت خود عاجز مانده باشد. آتش جنگ جمل فروخواییده و حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام بر دشمنان خود پیروز شده بود. باقیمانده سپاهیان دشمن، در حال فرار، از کنار زنی باردار گذشتند. آن زن از شدت هراس و ترس که به او وارد شد، فرزند خود را سقط کرد. سپاهیان حضرت علیه السلام که در پی آن‌ها می‌آمدند با آن زن روبرو شدند. داستان آن زن را به حضرت گزارش دادند. حضرت که در جایگاه حاکم اسلامی بود دستور داد که دیه آن زن و فرزندش را به او بدهند. این در حالی بود که یاران امیر مؤمنان علیه السلام مسبب این حادثه نبودند و



رفتار زیبای پیامبر حتی با مخالفان خود..... ۵۷

اصحاب جمل عاملان این جرمه بودند. با این حال، حضرت به عنوان حاکم اسلامی این را وظیفه خود دانسته و دستور دادند که از بیت المال مسلمین دیه او و فرزندش را پردازند. امام المسلمین در برابر این دست حوادث مسؤل است. این مطالب در خور نشر و تبلیغ است و شایسته است به گوش مردم جهان برسد. این کار به عنوان یک واجب، وظیفه‌ای است که همگان نسبت به اجرای آن، مسؤل هستیم.

#### رفتار زیبای پیامبر ﷺ حتی با مخالفان خود

نحوه تعامل حکومت اسلامی با مخالفان خودش از جمله مسائل مهمی است که نمایانگر چهره حقیقی اسلام است. این مطلب به خوبی در دو جا آشکاری و وضوح بسیار درخشنده‌ای دارد. یکی قصه حاطب بن ابی بلتعه است و دیگری داستان رئیس المنافقین،

۵۸.....اسلام مظلوم

ابن اُبی. بنده به‌ویژه جوانان را به دقت کردن در سرگذشت این دو نفر و آموختن جوانب معرفتی آن فرا می‌خوانم؛ چرا که جوانان از قوه تبلیغی قدرتمندی برخوردارند و با آشنایی با این مسائل، می‌توانند در زمینه تبلیغ خیلی اثرگذارتر باشند.

این داستان‌ها در کتب تاریخ و سیره به تفصیل بیان شده است. کافی است با اندک مراجعه‌ای، به داستان آن‌ها دست یافت. از این رو از بیان دوباره این قصه‌ها در این فرصت کوتاه پرهیز می‌کنیم راه تبلیغ هم به وسیله ماهواره‌ها و موبایل‌ها و فضای مجازی هموارتر از هر زمان است.

جوانان عزیز در پی جوی‌های خود در میان کتاب‌های تفسیر و تاریخ و حدیث، از جمله به آیه ذیل در خصوص ابن ابی برخواهند خورد. آیه از این

رفتار زیبایی پیامبر حتی با مخالفان خود..... ۵۹

قرار است: «وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ»<sup>۱</sup> و هرگز بر هیچ مرده ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نیست؛ چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مردند».

این آیه مخصوصاً درباره ابن ابی و عموماً دیگر منافقان نازل شده است. ابن ابی به اصطلاح امروزی در پی «مُؤَامَرَةٌ لِقَلْبِ نِظَامِ الْحُكْمِ» بود؛ یعنی براندازی نظام حاکم. چیزی مانند همان اتفاقاتی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در عراق افتاد و بارها عده‌ای بر علیه نظام حاکم شوریدند و اداره حکومت را به دست گرفتند. اقدام به براندازی نظام در همه جای دنیا جرمی بزرگ به شمار می‌آید و به اشد مجازات

---

۱. سوره التوبه، آیه ۸۴.

۶۰.....اسلام مظلوم

با براندازان برخورد می‌شود؛ چیزی که در تاریخ حکومت‌های بشری بارها رخ داده و اغلب، آن‌ها را اعدام کرده‌اند. اما پیامبر ﷺ چنین نکرد. حضرت نه اینکه آن‌ها را مجازات نمود بلکه به آن‌ها این فرصت را هم داد که باز در کنار بقیه مسلمانان از امکانات شهروندی بهره‌مند باشند.

این مطلب حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا که ادعای تحقق آزادی را در کشور خود بیش از جاهای دیگر دنیا دارند نیز نظیر ندارد؛ لذا رسانیدن سبک و روش پیامبر ﷺ در برخورد با مخالفان نظام خود، امری بدیع و جذاب است و البته با استقبال وجدان‌های بیدار در سراسر دنیا روبرو خواهد شد.

این داستان نمایانگر عقل سیاسی و حکومتداری حکیمانه رسول خدا ﷺ است که در تمام ادوار

رفتار زیبای پیامبر حتی با مخالفان خود..... ۶۱

تاریخ بشر نمونه‌ای همپا و مانند برایش یافت نمی‌شود. این موضوع را نه تنها غیرمسلمانان، حتی بسیاری از مسلمانان هم نمی‌دانند. شاید به جرأت بتوان گفت در کشورهای اسلامی از هر دو جوان به زحمت یکی پیدا شود که از این مسائل آگاه باشد.

از این رو سزاوار است که این داستان و دیگر قضایای رخ داده در حکومت رسول الله ﷺ را به مردم جهان برسانند. نگارش کتاب و نشر مقالات در مجلات و روزنامه‌ها و استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی - که به سادگی در اختیار همگان است - همه و همه فرصت‌هایی برای تبلیغ حقایق دین فراروی ما می‌گشاید که جا دارد به نحو احسن آن‌ها را به کار گرفت.

### داستان حاطب ابن ابی بلتعنه

پیامبر اکرم ﷺ با مشرکان مکه وارد جنگ‌های  
تحمیلی متعددی شد که سال‌ها به طول انجامید.  
هنوز فتح مکه به دست مسلمانان اتفاق نیفتاده بود.  
مشرکان که به شدت در این جنگ آسیب دیده  
بودند و همچنان به دنبال شکست رسول خدا ﷺ و  
پایان دادن به اسلام بودند، اوضاع و احوال  
مسلمانان را رصد می‌کردند. برای این منظور دو  
جاسوس، یکی مرد و دیگری زن را به کار گرفتند.  
جاسوس زن که ساره نام داشت از مکه به سوی  
مدینه آمده بود. جاسوس مرد، ساکن مدینه بود و  
در کنار مسلمانان و به ظاهر جزو آن‌ها بود، ولی  
همچنان به دلایلی به مشرکان مکه متمایل بود. در  
آن هنگام مسلمانان خود را برای فتح مکه آماده

داستان حاطب ابن ابی بلتعہ ..... ۶۳

می‌کردند و برای این کار ساز و برگ نظامی فراوانی تدارک دیده بودند. حاطب گزارش مفصلی از تجهیزات و تعداد سربازان و اطلاعات نظامی مسلمانان در کاغذی تهیه کرده بود. ساره به نزد او رفت و این گزارش را از او گرفت. در آن گزارش حاطب از هدف رسول خدا ﷺ برای فتح مکه نوشته بود. نامه را به دست آن زن سپرد و به او گفت که آن را در مکه به در خانه فلان مشرک ببرد. در مدینه رسول خدا ﷺ با ساره روبرو شد. از او پرسید که آیا آمده‌ای که اسلام بیاوری؟ گفت: نه گفت: آیا به مدینه هجرت کرده‌ای؟ گفت: خیر. پیامبر فرمود: پس برای چه به مدینه آمده‌ای؟ این قضایا در کتاب بحار الانوار و نیز مصادر بسیار دیگری ذکر شده است.

۶۴.....اسلام مظلوم

ساره گفت: نه، از فقر و بیچارگی به مدینه آمده ام.  
ساره مغنیه؛ یعنی آوازه خوان بود. گفت که اهل مکه  
در پی جنگ‌های متوالی کشته‌های زیادی دادند از این  
رو دیگر مکه امکان کار کردن برای من نیست. در  
اینجا حضرت یک سخن سر بسته به ساره می‌گوید:  
«فَأَيْنَ أَنْتَ مِنْ شَبَابِ مَكَّةَ؟» پس جوانان مکه  
کجایند؟». او نیز پاسخ پیامبر ﷺ را نداد. پیامبر  
اکرم ﷺ که اظهار نداری آن زن را دید به او لباس و  
پول و آذوقه بسیار و اسبی داد که برای رسیدن به مکه  
به مشقت نیفتد. ساره راهی مکه شد. حضرت ﷺ به  
اذن خدا از جریان آن نامه اطلاع یافت. از این رو  
حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام را به سوی آن زن  
فرستاد تا نامه را از او بگیرد. نامه مذکور حاوی اسرار  
مهم نظامی بود، آن هم میان دو طرف دعوا که بارها



داستان حاطب ابن ابی بلتعه ..... ۶۵

در برابر هم صف کشیدند و جنگ‌های خونین میان آنان در گرفته بود.

پیامبر خدا ﷺ از جریان نامه و مضمون آن از جانب خداوند متعال آگاهی یافتند. از این رو حضرت امیر مؤمنان، علی علیه السلام را به سوی آن زن روانه کرد تا نامه را از او بگیرد و به دست مشرکان نرسد.

حضرت علی علیه السلام به همراه دو نفر دیگر - که یکی از آنان مقداد بود - به سرعت به دنبال آن زن رفتند و اندکی دوتر از مدینه، در میانه راه با او روبرو شدند. حضرت سراغ نامه مذکور را از آن زن گرفت و ساره از وجود چنین نامه‌ای اظهار بی‌اطلاعی کرد. یاران حضرت قدری که اثاث آن زن را واری کردند ولی نامه‌ای نیافتند به حضرت اطلاع دادند که چنین نامه‌ای در اثاث این زن

۶۶.....اسلام مظلوم

نیست. حضرت فرمودند: پیامبر خدا ﷺ گفته‌اند چنین نامه‌ای در نزد آن زن هست، آنگاه شما می‌گویید نیست! حضرت ساره را که همچنان منکر داشتن آن نامه بود، تهدید کرد که اگر نامه را ندهی به خدا قسم گردنت را می‌زنم. در روایات آمده است آن زن که از تهدید حضرت ترسیده بود نامه را از لای موهایش بیرون کشید و به حضرت داد. امیرمؤمنان علیه السلام هم او را رها کرد و برگشت.

### سیره پیامبر ﷺ جوهر اسلام و رمز گسترش آن

در کجای دنیا چنین رفتاری با جاسوس می‌کنند که او را به حال خود رها کنند. اما پیامبر اسلام ﷺ نه با حاطب کاری داشت و نه با آن زن. رفتار زیبای رسول خدا ﷺ دل‌های بیدار مردم را در هر جای دنیا و با هراعتقادی که باشند البته می‌لرزاند.

سیره پیامبر جوهر اسلام و رمز گسترش آن ..... ۶۷

رسانیدن این مطالب، هم داستان حاطب بن ابی بلتعه و هم ابن ابی به مردم دنیا وظیفه مهمی است که امروزه بر عهده یکایک ما است. حضرت با رفتارهای زیبا و اخلاق والای خود توانست اسلام را روزبه‌روز نشر و گسترش دهد. به گونه‌ای که خدای متعال درباره آن فرموده است: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا»<sup>۱</sup> و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا درآیند».

تبلیغ دین اسلام و حقایق ارزشمندی که در سیره رسول گرامی خدا ﷺ و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است، در کنار تزکیه نفس و مراعات ورع، از وظایف مهم هرفرد مسلمان در این ماه مبارک رمضان است. به‌ویژه به تبلیغ اسلام باید عنایت ویژه‌ای نمود؛ البته اسلام راستین که

---

۱. سوره النصر، آیه ۲.

۶۸.....اسلام مظلوم

امروزه متهم است و نه تبلیغ نماز و روزه و حج و... که در همه ادوار تاریخ اسلام به آن ها پرداخته شده است. آیا معاویه نماز جمعه نمی خواند؟ یا یزید چطور؟ همه آن ها ظواهر را رعایت می کردند اما تاریخ آنها انباشته است از تصرفات فاسدانه و اقدامات ظالمانه علیه مردمی که با عقاید و آرای غلط آن ها مخالف بودند.

#### اسلام سره و اسلام ناسره

یکی از شکنجه های دردناکی که در تاریخ خلفای اسلامی از معاویه و دیگر خلفای اموی گرفته، تا هارون و مأمون و متوکل، آن را در کارنامه سیاه خود ثبت کرده اند «سمل العیون» است. این شکنجه دردناک این گونه بوده است که آهن گداخته ای را مثلاً یک کارد که در آتش گداخته شده است به نزدیک چهره فرد مخالف خود می بردند. دست و

اسلام سره و اسلام ناسره..... ۶۹

پای شخص را هم می‌بستند و دیگر راهی برای دفاع از خود نداشت. در آن حال در کمال بی‌رحمی آن کارد گذاخته را در چشمان او فرو می‌بردند و او را نابینا می‌کردند. این شکنجه دردناک و غیرانسانی «سمل العیون» نام داشت. حضرت امیر مؤمنان علیه السلام هم در جایی اشاره می‌کنند به آنکه معاویه پس از او به این جنایت دست می‌زند. تواریخ و شروح هم به این قصه اشاره کرده‌اند.

همه این جنایات را خلفای اسلامی در طی ادوار مختلف مرتکب می‌شدند و در کتاب‌های تاریخ هم ذکر آن رفته است. در کنار این جنایات نماز و روزه و نماز جمعه و دیگر مناسک را به جای می‌آوردند.

طبیعی است که خواننده غیرمسلمان که از اسلام واقعی بی‌خبر است و با سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و

۷۰.....اسلام مظلوم

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام ناآشناست، با دیدن این مطالب به اسلام بی رغبت می شود. سمل العیون عملی است که بارها و بارها از سوی خلفا از معاویه و هشام بن عبدالملک تا خلفای متوخر تکرار شده است. آنان این شکنجه غیر انسانی را علیه مخالفان خود به کار گرفته اند. همه آن ها یکی یکی در تاریخ ثبت شده است و در احوال خلفا دیده می شود.

آری، چنین چهره‌ای ناخوشایند از اسلام در دنیا ترسیم شده است. حال آنکه این، ربطی به اسلام واقعی ندارد و تهمتی بیش نیست که خلفای غاصب و نابرحق آن را به اسلام نسبت داده‌اند. اسلام امروزه متهم است. قرآن کریم و رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام امروزه بیش از هر زمان دیگر آماج تهمت‌های غربیان است که ناآگاهانه به تفسیرها و

اسلام سره و اسلام ناسره..... ۷۱

مطالب بی اساس و دور از واقعیت دست می زنند. اسلام راستین، صرفاً آن است که رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در سیره و منش و روش خود برای بشر به ارمغان گذاشته اند و این وظیفه همه ماست که از چهره راستین اسلام دفاع کنیم و رفع اتهام نماییم و از آنجا که «من فيه الكفاية» به قدر کفایت نیست، بر همه ما واجب عینی است.

از خدای منان خواستاریم که توفیق تبلیغ اسلام رسول الله ﷺ و امیر مؤمنان (علیه السلام) و رفع اتهام از قرآن و اسلام را به همگی ما به ویژه در این ماه مبارک بیشتر از پیش عنایت بفرماید.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين